

ولا يبيحكن العوارض حكومتك اللهم لا احد
ويت مكن فسرارك از حكومت تو خداوندان من است
لديني غافرا ولا يقابحني سائرا ولا يثني من علي
بر اين انچه از من در راي من نه چيزي است و نه براي من چيزي است
القيح بالحقين مبدلا غيتك لا اله الا انت سبحانك
من چه عيبك بدل كنده غير تو نيست مگر من و تو باكي در حق
و بحمدك ظلت نفسي و تجرات بحبيلي في سكت الي
و بخدمت تو غولم ستم كردم نفس خود را در جرم خود نادانم و غمناكم بكم
قديم در كرتي و منيك على اللهم مولاي كمن
بسته ياد كوي تو حمد و انعام همي از خدا در اي اقامي هم طهارت
ستونم و كم من فادج من البلاء اقلته و كم من
لاست مندي و لب از ان از بهر كمي زهر كوي از و بساز
عثار و قيتة و كم من مكر و دفعته و كم من
زلف منشا كه تا هر چي و ب از منبشير كه دفع كوي از و ب از من

بشير

جمل است لصلواتك اللهم عظم بلائي طوف
بنيك و بهم سزاوارا بچس كوي خدا و مرا بر تشنه با بر من دارنده
في سوء حالي و قصرت بي اعمالي و قدرت في اغلاي
بين بر من من خاست از بيت من كرد از من و عاجز كرده است كوي
و جيني عن نفعي بعد مالي و خدعتني الدنيا
دجس كرده است كوي از نفع خود از و بر من من طاري داده است حمد و ثنا
بغروها و نفسي بخيانتها و مطالي ياسيدي
بغيب خود و غيب و لغبت خود از من و سب را بر من غمناك كوي
فاستلت بعزتك ان لا تحب عنك دعائي سوء علي
بين نهف من كتم تو را بعت تو كه منع كند از تو دعاي مرا بدوي كردار
و فعالي و لا تقصيني بخي ما اطلعت عليه من سوي
و انعام من در كو من عمل بها آنچه طبع شده بر كن از ما را
ولا تا جلني بالعقوبة على ما عملته في خلواني
در دگر سب را بعقوبت بر آنچه كرده ام از در خلوتها بچس